

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا
سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۰، پیاپی ۹۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

درآمدی بر بازشناسی تاریخ‌نگاری منصوره اتحادیه

زهرا قنبری مله^۱
داریوش رحمانیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۳

تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۹

چکیده

توجه به تاریخ‌نگاری زنان و پرداختن به ریشه‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مورخان زن، یکی از مباحث مهم معرفت‌شناختی در حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌رود و در این میان منصوره اتحادیه بانوی مورخی است که در معرفی کتاب‌ها و شناسایی و نشر اسناد تاریخی ایران در دوره‌ی قاجار نقش مؤثری ایفا کرده است. در این پژوهش می‌کوشیم با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و از طریق مراجعه به آثار متعدد وی به بیان و بررسی روش تاریخ‌نگاری او بپردازیم.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اتحادیه به دلیل پیروی نکردن از مکتبی خاص، در تدوین آثار تاریخی روشی پیچیده ندارد و رهیافت‌هایش

۱. دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور . z.ghanbari@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه تهران

در این حوزه مبتنی بر تعاریف آسان است و به دور از هرگونه مباحث فلسفه‌ی تاریخ، تاریخ را از دریچه‌ی انسان برای انسان می‌نگرد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری زنان، تاریخ‌نگاری، علم تاریخ.

مقدمه

بررسی روش تاریخ‌نگاری مورخان از مقوله‌های مهم در حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخی است که کمتر بدان پرداخته شده است، زیرا بیشتر مورخان، حوادث تاریخی را در بستر تحولات ارزیابی می‌کنند، اما چند صباحی است که بررسی روش تاریخ‌نگاری مورخان از پبله‌ی سکون و سکوت خارج شده و مورد توجه پژوهشگران جوان قرار گرفته است، برای نمونه می‌توان به اثر سیمین فصیحی با عنوان «جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره‌ی پهلوی» (۱۳۷۲)، سلسله مقالات انتشار یافته درباره‌ی روش تاریخ‌نگاری فریدون آدمیت، اثر علی دهباشی (۱۳۹۰) و «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دکتر عبدالحسین زرین کوب» نوشته‌ی محمد بختیاری (۱۳۹۲) اشاره کرد. در این میان گرچه بررسی روش تاریخ‌نگاری مورخان، به‌ویژه مورخان زن، از جمله اقدامات بدیعی بود که می‌توانست مورد توجه محققان قرار گیرد، اما در میان مورخان چندان مورد توجه قرار نگرفت، از این رو در این مقاله ضمن توجه کلی به تاریخ زنان، به بیان روش و رویکرد تاریخ‌نگاری منصوره اتحادیه، به عنوان یکی از بانوان مورخ معاصر ایران می‌پردازیم که نقش مؤثری در معرفی و بازشناسی اسناد دارد. به دلیل زندگی در خانواده‌ای با اصالت فجری، تحصیلات در خارج از ایران و انجام پژوهش‌های مختلف با استفاده از اسناد و منابع دسته اول موفق شد با تأسیس انتشارات «نشر تاریخ ایران» به معرفی اسناد منتشر نشده و منابع دسته اول بپردازد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی در کنار روش مصاحبه‌ای، سوالات ذیل مطرح می‌شود:

۱. روش تاریخ‌نگاری منصوره اتحادیه مبتنی بر چه ویژگی‌هایی است؟

۲. دیدگاه اتحادیه درباره‌ی تاریخ اجتماعی و تاریخ سیاسی و تاریخ زنان به عنوان یک مورخ زن چیست؟

فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. اتحادیه ضمن توجه به مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری، توجه خود را به اسناد و سندشناسی معطوف کرد.

۲. رویکرد اتحادیه به تاریخ سیاسی بیش از تاریخ اجتماعی است و در آن رویکرد به سوی تاریخ دیپلماسی است.

۳. اتحادیه مورخی زن‌محور است که به تاریخ زنان به عنوان موضوع توجه داشته است. در این پژوهش می‌کوشیم در کنار توجه به تاریخ‌نگاری زنان، دیدگاه‌های اتحادیه را در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری مورد بررسی قرار دهیم.

تاریخ‌نگاری زنان

تاریخ‌نگاری زنان به عنوان پدیده‌ی نوین و با عمری نزدیک به پنجاه سال، برآمده از موج دوم جنبش‌های زنان در اروپا و آمریکا بوده است. سؤال اصلی این جنبش در دنیا این بود که اگر دلایل حقوق نامساوی و نابرابر زنان و مردان در اجتماع مسائل بیولوژی نیست، چه عاملی سبب بروز عدم تساوی بین آنها شده است؟ مورخان به عنوان گروهی که در پژوهش‌های تاریخی خود بیشتر تاریخ سنتی و سیاسی را دنبال می‌کردند، به تدریج با سکوت صدای زن در تاریخ مواجه شدند و به این پرسش رسیدند که به راستی زنان را چگونه در تاریخ بیابیم؟ این درحالی است که مسئله‌ی بازیابی زنان در تاریخ برای مورخان ایرانی نیز دغدغه‌ای اساسی در دهه‌های اخیر به شمار می‌رفت.

پژوهشگران تاریخ ایران اطلاعاتی بسیار گذرا و سطحی را درباره‌ی چگونگی حضور زن در اختیار ما قرار داده‌اند و این نشان می‌دهد که زنان همواره از کسب موقعیت متناسب با شأن و توانایی‌ها محروم بوده‌اند. از یک سو پرده‌نشینی و حضور کم‌رنگ آنها در جامعه و از سوی دیگر حاکمیت سنت سبب شد مهم‌ترین عوامل محرومیت تاریخی برای زنان به بار بنشیند و

پژوهشگرانی که به زن به عنوان موضوع پژوهش خود در عرصه‌ی تحولات تاریخی می‌نگرند بر این امر آگاهی دارند که درک شرایط و بستر اجتماعی و زندگی فردی زنان کاری دشوار است. با این وجود ایجاد پل ارتباطی با اروپا و تأسیس مدارس به سبک جدید و تأثیر تفکرات روشنفکری در دوره‌ی مشروطه اعتراضات زنان را در جامعه برانگیخت. طرح مطالبات زنان با تأکید بر متغیر جنسیت، به شکل گسترده از انقلاب مشروطه آغاز شد و مشارکت اجتماعی زنان و دخالت در جنبش مشروطه نقطه‌ی آغاز حضور زنان در عرصه‌های مختلف شد.

در این میان مطالعه‌ی زنان در تاریخ دو نگرش را به تصویر می‌کشد. وجه نخست تاریخ‌نگاری زن‌محور نام دارد که در آن تلاش می‌شود به جایگاه و نقش زنان در تاریخ اشاره شود. مورخان در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند بسترهای حضور زنان در عرصه‌ی تحولات سیاسی و اجتماعی را شناسایی و بررسی کنند؛ امری که در مقایسه با تاریخ‌نگاری زنان از قدمت بیشتری برخوردار است، زیرا تاریخ‌نگاری زن‌محور در ایران، نسبت به سیر کلی خود در خارج از ایران، تقریباً مغفول باقی ماند. تاریخ‌نگاری زن‌محور در ایران بیشتر به جست‌وجو در اسناد، مکاتبات، خاطرات و یادداشت‌های زنان و شرح و توصیف فعالیت‌های آنان اختصاص یافت. همچنین توجه به تاریخ اجتماعی مفهوم دیگری را در تاریخ‌نگاری پدید آورد که از آن با عنوان تاریخ از پایین یاد می‌شود که در آن توجه مورخان به سوی تاریخ زنان و طبقه‌ی فرودست جلب شد و به ظهور تاریخ‌نگاری زنان از درون تاریخ اجتماعی منجر شد و این تفکر قوت یافت که نیمی از حوادث و وقایع رخ داده در تاریخ به زنان تعلق دارد و باید دگرگونی‌های شکل گرفته در بستر تحولات تاریخی نیز از منظر آنان نگریسته شود؛ این در حالی است که مردان با دیدگاهی مردانه به روایت تاریخ پرداخته‌اند. این دسته از مورخان می‌کوشند با موضوع قرار دادن زنان، ضمن بررسی و شناسایی تجربیات زنان در زندگی اجتماعی گذشته، نقش و جایگاه آنان را در تاریخ‌نگاری سنتی نشان دهند. هرچند زنان در بیشتر وقایع تاریخی حضور داشته‌اند، اما مورخان حضور آن‌ها را نادیده گرفته‌اند و از این رو با سود جستن و کمک گرفتن از علوم کمکی می‌کوشند خلأ حاصل از عدم توجه به تاریخ زنان را جبران کنند؛ امری که در سال ۱۳۴۸ در کتاب *تاریخ مذكر رضا براهنی* مورد تأکید و تأیید قرار گرفت. او معتقد است که تاریخ ایران، تاریخ مردانه و با روایت‌های مردانه

است که در آن زنان اجازه‌ی نقش‌آفرینی نداشته‌اند و آن را ناشی از جامعه‌ی پدرسالار در ایران می‌داند (فصیحی، ۱۳۸۸: ۴۵).

نکته‌ی مهم دیگر در این حوزه، میزان نقش‌آفرینی زنان در آشکارسازی وقایع و حوادث تاریخی و ثبت آن‌ها است. توجه به وضعیت زنان و شرایط حضور آنان در اجتماع نیز مدیون تحولات تاریخ ایران پس از مشروطه است، بر همین اساس زنان با نگارش مقالات مختلف در نشریات و انتشار نشریات زنانه، دریچه‌ای را برای حضور خود در اجتماع گشودند؛ به طوری که در این دوره به عنوان گروه‌های مستقل به فعالیت در عرصه‌های مختلف پرداختند. زنان در روزنامه‌های مشروطه‌خواه به شرایط زندگی اجتماعی خود اعتراض می‌کردند و نحوه‌ی سلوک مردان و نگرش مردسالارانه‌ی آنان را به مبارزه می‌طلبیدند. در این دوره موضوع زنان همچنان مورد توجه بوده و رویکرد مورخان این دوره نیز همچنان معطوف به حضور آن‌ها در اعتراضات سیاسی بود و کمتر به بسترهای اجتماعی و شخصی آن‌ها توجه شده است. با این وجود ثبت خاطرات و نگارش آن توسط برخی از زنان به عنوان یک زن، نه به عنوان یک مورخ، سبب شد در این دوره در مقایسه با دوره‌های گذشته حجم اطلاعات پژوهشگران در خصوص اهداف، تمایلات و بسترهای فکری آن‌ها افزایش یابد. هرچند همچنان آشنایی و درک مورخان معطوف به زنان طبقه‌ی بالا بوده است، اما همین امر کمک شایانی به شناخت مسئله می‌کند. با این وجود نمی‌توان درباره‌ی تاریخ زنان و تاریخ‌نگاری این دوره سخن گفت، اما از مستوره کردستانی یاد نکرد. او نخستین تاریخ‌نگار زن ایرانی در دوره‌ی قاجار است که با وجود عمر کوتاهش به نگارش آثار ادبی و تاریخی پرداخت که مهم‌ترین آن *تاریخ‌الاکراد* یا *تاریخ اردلان* بود که در آن تاریخ سیاسی کردستان و خاندان حکومتگر اردلانی را تا سال ۱۲۵۱ق با بیان حکومت رضاقلی خان پسر خسروخان، شرح داد. او در این اثر تاریخی از زنان، وضعیت و شرایط محیطی و اجتماعی آنان هیچ نوشت و تنها تاریخ سیاسی و تاریخ محلی را روایت کرد (قدیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

نگرش دوم به زنان تاریخ‌نگار اختصاص دارد که در آن بررسی روش تاریخ‌نگاری زنان مورخ به عنوان مقوله‌ای کاملاً نوین مطرح می‌شود که به مدد رویکرد محققان تاریخ به بررسی روش تاریخ‌نگاری مورخان معاصر، به تبیین و تحلیل روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آن‌ها پرداخته

شد. در این میان زنان مورخ نیز به دلیل ارائه و بیان دیدگاه‌های تاریخی خود در حوزه‌های مورد مطالعه و پژوهش توانستند در کنار مردان به عنوان گزینه‌های مورد بررسی مطرح شوند. در نگرش سنتی به تاریخ، بیش از هر چیز جایگاه ویژه‌ای برای مورخان مرد فراهم می‌شود و به مورخان زن بهایی داده نمی‌شود، از این رو ورود به این عرصه می‌تواند زنان مورخ را همپای مردان مورخ معرفی کند و توانایی‌های علمی و پژوهشی آنان را به تصویر بکشد. از جمله دلایل توجه به این رویکرد، نگاه جنسیتی زنان به مسئله‌ی زن است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد مورخان زن به دلیل داشتن چنین نگرشی، بهتر و بیشتر می‌توانند تاریخ زنان را واکاوی کنند. از جمله این مورخین می‌توان به افسانه نجم‌آبادی اشاره کرد. نجم‌آبادی بر این باور است که بازشناسی و واکاوی مجدد منابع و استفاده از اسناد و مدارک منتشر نشده در معرفی وضعیت زنان می‌تواند مؤثر باشد؛ لذا وی به عنوان یک بانوی مورخ با استفاده از همین منابع و با دیدگاهی جنسیتی و به روش تحلیلی، به نگارش کتاب حکایت دختران قوچان و مقالاتی چون «نقش زن بر متن مشروطیت» و «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت» پرداخته است. سیمین فصیحی می‌گوید:

اگر تاریخ زنان را زنان خود بنویسند شاید بهتر باشد، چرا که در تاریخ‌نگاری مردان، زنان همچنان ابژه، موضوع و دیگری است و تنها در تاریخ‌نگاری زنان درباره‌ی زنان است که رابطه‌ی سوژه و ابژه از یک رابطه‌ی بیرونی به یک رابطه‌ی درونی استحاله می‌یابد (فصیحی، ۱۳۷۸: ۲۷۸).
توجه و نگاه ویژه به عملکرد، کارکرد و روش بانوان مورخ می‌تواند اندیشه‌ی آن‌ها را نسبت به مسائل اجتماعی، به‌ویژه مسائل زنان بیش از پیش مطرح و آشکار کند.

مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری اتحادیه

تعریف تاریخ

اتحادیه تاریخ را از دریچه‌ی انسان، برای انسان و پیرامون انسان می‌نگرد و بر این باور است که حوادث برای انسان رخ داده است، از این رو بدون ورود به مباحث پیچیده‌ی فلسفه‌ی تاریخ، معتقد است تاریخ زمانی قابل درک خواهد بود که مورخ بتواند توالی زنجیره‌ای حوادث پدید آمده را ارزیابی کند و به تحلیل و توصیف تاریخی آن پردازد. او ضمن محور قرار دادن انسان در تاریخ،

به آنچه انسان‌ها در گذشته گفته‌اند، اندیشیده‌اند، عمل کرده‌اند و آثاری از خود بر جای نهاده‌اند توجه کرده و آن را کانون تحول و دگرگونی در تاریخ خطاب می‌کند. از نگاه او تاریخ، جست‌وجوی بی‌پایان حقیقت است؛ کاری بس دشوار و پیچیده که مورخ باید با درایت و احساس مسئولیت آن را به اجرا برساند. او تاریخ را جست‌وجوی حقیقت در بازسازی عقلی و منطقی گذشته و با روشن کردن لایه‌های تاریخ اجتماعی و تاریخ اقتصادی می‌داند. از نظر او اطلاع از گذشته براساس شواهدی است که باقی مانده و آنجا که شواهد تاریخی وجود نداشته باشد، تاریخ نیز وجود نخواهد داشت. او این شواهد را با همه‌ی تنوع و تفاوتشان برای انسان می‌پسندد.

علم بودن تاریخ

اتحادیه تاریخ را علم می‌داند؛ علمی که متد علمی داشته باشد و در جایی که تاریخ درباره‌ی انسان سخن می‌گوید، علم بودن تاریخ را می‌پذیرد، زیرا معتقد است این انسان است که متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود تصمیم گیرنده خواهد بود و آن زمان که تاریخ را تکرارناپذیر می‌بیند نشان می‌دهد که تاریخ به موضوعاتی مستقل از علوم طبیعی می‌پردازد و آشکارا بر علم بودن تاریخ براساس روش انسانی تأکید می‌ورزد.

فایده‌ی تاریخ

اتحادیه نظر بسیاری از مورخان را که معتقدند یکی از فواید عمده‌ی تاریخ عبرت‌آموزی است، رد می‌کند و این امر ناشی از اعتقاد او به تکرارناپذیری تاریخ است. او گرچه شباهت‌هایی را در شکل‌گیری و بروز حوادث تاریخی متصور است، اما باور دارد هرگز لنین و روبسپیر شباهت رفتاری و حکومتی نداشته‌اند.

وظیفه‌ی مورخ

اتحادیه معتقد است که مورخ نمی‌تواند چیزی را اثبات کند و فقط تلاش می‌کند آنچه را که کشف کرده، توضیح دهد و در عین حال باید به دنبال یافتن حقیقت باشد و دیواره‌های ظن و

گمان را فرو ریزد و نسبت به حوادث و شخصیت‌هایی که در تاریخ ایران منفور و خائن خطاب شده‌اند، بی‌تفاوت نباشد. او معتقد است که مورخ نه تنها معلم اخلاق نیست و نمی‌تواند در مقام قضاوت قرار گیرد و به سنجش قضاوت‌گونه‌ی حوادث و شخصیت‌ها بپردازد، بلکه باید بدون اینکه هر شخصیت و رجل سیاسی را سیاه و سفید خطاب کند خود را در بستر زمانی و مکانی فرد بگذارد و سپس با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های زمانی و بسترهای سیاسی و اجتماعی به این نتیجه برسد که تصمیم گرفته شده متأثر از رخداد‌های دوران وی بوده است. او معتقد است هر قدر مورخ مبتدی‌تر باشد، در صدور حکم نهایی محکم‌تر نظر می‌دهد. او تأکید می‌کند که وظیفه‌ی مورخ فهمیدن گذشته است و مطالعه‌ی گذشته برای روشن کردن حال، مورد تأیید وی نیست.

استقلال تاریخ

اتحادیه استقلال تاریخ را می‌پذیرد و معتقد است با به‌کارگیری علوم دیگر می‌توان نتایج بهتری از تاریخ به‌دست آورد. او معتقد است در اروپا تا اواخر قرن ۱۹ میلادی تاریخ به عملکرد دولت‌ها، سیاستمداران، پادشاهان، امرا، جنگ‌ها و حکومت‌ها مربوط بود و بایگانی‌های دولتی نیز بر همین اساس ترتیب داده شده بودند، اما طی قرن بیستم میلادی حیطه‌ی تاریخ گسترش یافت و علاوه بر تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جزو موضوعات تاریخ شدند و جذابیت تازه‌ای به تاریخ افزوده شد. به باور وی مورخان رویکرد خود را از تاریخ سیاسی به تاریخ عامه‌ی مردم تغییر دادند و «تاریخ از پایین» را ملاک عمل خود قرار دادند. در این رویکرد تاریخ‌نگاری، توجه به جامعه‌ی کارگران، روستاییان و زنان بیش از پیش افزایش یافت و به مرور موضوع تاریخ شد و مسائل مربوط به جوامع انسانی مورد توجه قرار گرفت (اتحادیه، ۱۳۹۱: ۶۴۹ - ۶۵۰).

او در بررسی رویکردهای تاریخ از پایین به مطالعه‌ی مردم‌شناسی نیز توجه کرد. او معتقد است مطالعات مردم‌شناسی بین گذشته و حال سیر می‌کند و زمانی می‌توان آن را جزوی از تاریخ دانست که رابطه‌ای با وقایع تاریخی نداشته باشد. او تفاوت مردم‌شناسی با جامعه‌شناسی را در توصیف جزئیات زندگی روزمره‌ی مردم می‌داند و در عین حال روش مورد مطالعه‌ی آن را برگرفته از مشاهدات و مصاحبه‌های شفاهی دانسته است.

اتحادیه معتقد است که استفاده از علوم کمکی امری بدیهی است، اما تا جایی سودمند است که در مطالعات تاریخی به کار آید و مطالعات تاریخی تحت تأثیر جامعه‌شناسی را رد و آن را از تاریخ اجتماعی متمایز می‌کند (اتحادیه، ۱۳۹۱: ۲۵۶ - ۲۵۷).

سند و اهمیت آن در آثار اتحادیه

یکی از اقدامات مهم اتحادیه، تلاش برای معرفی، بازخوانی و چاپ اسنادی است که بیشتر به خانواده‌ی فرمانفرمایان اختصاص دارد. وی تأکید می‌کند که با توجه به شکل‌گیری تاریخ‌نگاری نوین در جامعه‌ی امروز و تغییر نگرش در این حوزه، مورخان با استفاده از اسناد می‌توانند به دستاوردهای متعدد علمی دست یابند (جوادیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۴-۱۱). از این رو اتحادیه برای احیای گذشته‌ی تاریخی ایران در عصر قاجار تلاش کرده است با به‌کارگیری اسنادی که مستقیم یا غیرمستقیم در اختیارش قرار می‌گرفت، به بازشناسی ایران آن عصر کمک شایانی کند. پژوهش‌ها روی آثار اتحادیه نشان می‌دهند که وی با استفاده از روشی منظم مبتنی بر معرفی اسناد و مدارک معتبر تلاش کرد از حوزه‌ی دیرپای تاریخ‌نگاری روایی و نقلی رها شود، به گونه‌ای که خود بر استفاده از انواع اسناد و مدارک آرشیوی، اعم از داخلی و خارجی، تأکید بسیار دارد و حتی در نگارش زندگی‌نامه‌ها نیز تلاش کرد ضمن ارائه‌ی گزارشی از بخش مهمی از حوادث سیاسی هر دوره، از اسناد و مدارک آرشیوهای دولتی که از عمده‌ترین منابع تحقیق در تاریخ دوره‌ی جدید به شمار می‌روند، سود جوید.

اتحادیه در معرفی سند و استفاده از آن در پژوهش‌های تاریخی معتقد است که سند به خودی خود بازگوکننده‌ی حوادث و وقایع نیست، بلکه نیازمند تحلیل و واکاوی مورخ است تا از آن طریق بتواند اطلاعات مهمی از آن به دست آورد. اتحادیه با هوشمندی و جدیت به معرفی اسناد تخصصی و تفسیر محدودی از این منابع پرداخت.

از نظر او آنچه برای پژوهشگر در مطالعه‌ی یک سند اهمیت دارد این است که بداند یک سند چگونه به وجود آمده و باقی مانده است، زیرا معتقد است ضمن کمک به شناخت سند، مشخص می‌شود که پژوهشگر با چه نوع سندی سر و کار دارد. او در بررسی اسناد تأکید می‌کند که اسناد

همیشه قاطع نیستند و وظیفه‌ی مورخ است که ارتباط لازم را بین موضوع سند با موضوع پژوهش بیابد و تلاش اوست که معنای سند و ارتباط آن را با تاریخ برقرار می‌کند. به باور اتحادیه مورخ معنای سند را درمی‌یابد و با اسناد و منابع دیگر می‌سنجد و سپس می‌تواند به صحت و سقم یک سند دست یابد و بیشترین تأکید او بر این است که یک مورخ بداند اسناد در خلأ به وجود نیامده‌اند، بلکه با شناخت محیطی که در آن به وجود آمده‌اند مرتبط هستند. او در طبقه‌بندی اسناد، اسناد دولتی و رسمی را با مسائل سیاسی و اسناد خصوصی را با مسائل اجتماعی و اقتصادی مرتبط می‌داند و معتقد است که اسناد سیاسی خالی از تاریخ اجتماعی و اقتصادی و اسناد خصوصی خالی از مسائل سیاسی نیستند. او در مورد اهمیت اسناد خصوصی معتقد است اگر اسناد خصوصی باقی مانده‌اند کاملاً اتفاقی بوده است، در صورتی که اسناد دولتی بر اساس هدفی خاص نگهداری شده‌اند (اتحادیه، ۱۳۹۱: ۶۵۰ و ۶۵۱).

به نظر اتحادیه به این دلیل که تاریخ‌نگاری سیاسی در ایران قدیمی‌ترین نوع تاریخ‌نگاری است، همواره ممارست در نگهداری اسناد سیاسی بیش از اسناد اجتماعی و اقتصادی بوده است (سند و اسناد ملی در گفتگو با کتاب ماه و جغرافیا، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۹).

او در نگارش آثار سیاسی خود از اسناد وزارت امور خارجه‌ی ایران، اسناد سازمان ملی ایران، اسناد وزارت امور خارجه‌ی انگلیس و اسناد مجلس شورای ملی سود جست و تلاش کرد در نگارش بیوگرافی‌ها، تنها از اسناد ایرانی سود جوید. او معتقد است که پژوهشگران و مورخان کمتر به استفاده از اسناد آرشیو ایران روی آورده‌اند و این امر را یکی از ضعف‌های پژوهشی مورخان نسل جدید می‌داند و نگرانی وی تا حدی است که معتقد است عدم تخصص لازم، سطحی‌نگری و عدم توجه به بازنگری گذشته با استناد به اسناد، تاریخ را به قهقرا خواهد برد.

اتحادیه و گرایش او به زندگی‌نامه‌نویسی

نویسنده‌ی زندگی‌نامه یا بیوگرافی (Biography) درباره‌ی خود نمی‌نویسد، بلکه زندگی شخص دیگری را چه در قید حیات باشد و چه نباشد به نگارش در می‌آورد. زندگی‌نامه‌نویس تلاش

می‌کند ضمن بیان خصوصی‌ترین مسائل شخصیت کتاب، حوادث زندگی و بسترهای اجتماعی و محیطی را به تصویر بکشد.

اما خاطره نوشته‌ای روایی است که پدیدآورنده‌ی آن با آگاهی و اراده به شرح حال، حادثه‌ها و رویدادهای گذشته می‌پردازد و ضمن حضور مستقیم و یا غیرمستقیم، به بیان جزئیات زمان و مکان و چگونگی وقوع حادثه‌ها می‌پردازد و در بیشتر موارد نیز تأثیری احساسی و عاطفی دارد (ایروانی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۹). با این مقدمه می‌توان گفت که منصوره اتحادیه، مورخی زندگی‌نامه نویس است که با استفاده از اسناد، خاطرات و نوشته‌های پیش روی خود که از طریق مناسبات و روابط خانوادگی در اختیارش قرار می‌گرفت، به نگارش آثاری از این دست پرداخته است. او با انتشار خاطرات افراد مختلف تلاش می‌کند بسترهای اجتماعی و اقتصادی و شرایط فکری حاکم بر شخص و جامعه‌ی آن را به تصویر بکشد؛ لذا هدف اتحادیه به عنوان یک مورخ در معرفی خاطرات، زندگی‌نامه، اسناد مالی و مکاتبات تنها این بود که ضمن ارائه و معرفی آن‌ها به پژوهشگران، امکان استفاده از آن‌ها را برای دیگران فراهم کند و در عین حال خلأ ناشی از کمبود منابع در دوره‌ی قاجار را رفع کند. علاقه‌ی او به بررسی خاطرات و مکاتبات خاندانش سبب شد عمده‌ی زندگی‌نامه‌های نوشته شده، متعلق به خانواده‌ی فرمانفرمایان باشد. وی در بررسی شخصیت‌ها، به ارائه‌ی اطلاعات روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی مهمی از شرایط و عملکرد افراد در دوره‌ی مورد بحث خود می‌پردازد. توجه به عنوان‌های بسیاری از آثار انتشار یافته توسط اتحادیه نشان می‌دهد که وی تا چه میزان بر معرفی نخبگان عصر قاجار مشروطه و به‌ویژه نخبگان خاندان خود توجه داشته است و اهمیت این موضوع تا حدی است که انتشارات وی برای عرضه‌ی اسناد و کتب تاریخی، به انتشار بخشی از خاطرات و زندگی‌نامه‌های خاندان فرمانفرما پرداخته است (زمانی‌نیا، ۱۳۸۳: ۸۹).

آنچه در مطالعه‌ی زندگی‌نامه‌ها در ذهن متصور می‌شود این است که توجه به خاطرات و زندگی‌نامه‌ی افراد و نخبگان جامعه، همان برجسته‌سازی رویدادها و زندگی‌شخصیت‌ها است و باید توجه کرد که یکی از رسالت‌های مورخ این است که با دیدگاهی جامع‌نگر بتواند در بررسی زندگی‌نامه‌ها و خاطرات به تحلیلی جامع در خصوص محیط و اجتماع پیرامون فرد مورد مطالعه

دست یابد. همچنین اسناد و مدارک پیش روی یک مورخ متعلق به شخصیت‌های سیاسی و نخبگان و رهبران خواهد بود و راه حل آن این نیست که به این نگرش دست یابیم که زندگی‌نامه نویسی، کاربردی در پژوهش‌های تاریخی ندارد؛ با این حال در مطالعه‌ی آن نیز باید با اغماض نگرست، زیرا تحلیلی که مورخ درباره‌ی شخصیت تاریخی بیان می‌کند ممکن است دستخوش تمایلات مورخ شود و از ظرافت علمی آن بکاهد. همچنین مطالعه‌ی زندگی‌نامه و خاطرات انتشار یافته توسط اتحادیه، این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که از طریق آن می‌توان به بازسازی محیط اجتماعی پرداخت و ابعادی از شخصیت تاریخی افراد را به دست آورد و از این رو از زندگی‌نامه نویسی به عنوان یک مؤلفه‌ی تاریخی مهم می‌توان سود جست.

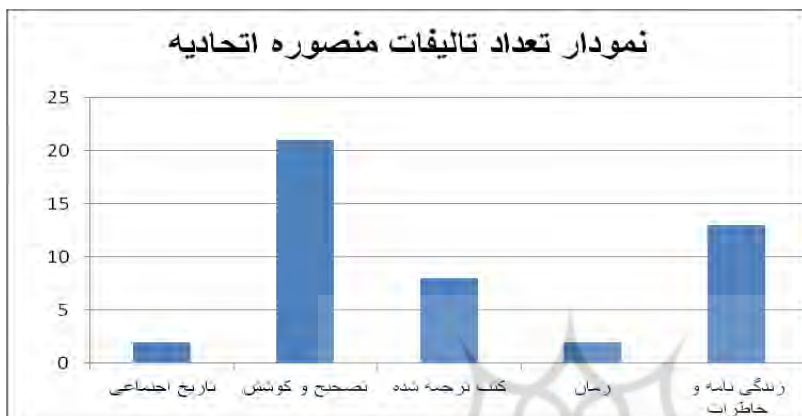
بنابراین اتحادیه تلاش جدی خود را در معرفی خاطرات و سرگذشت‌نامه نویسی نشان داد، به طوری که در ۵۵ اثر مطالعه شده، ۱۳ اثر به این موضوع و خاندان فرمانفرمایان اختصاص دارد؛ از جمله زندگی سیاسی رضاقلی خان نظام‌السلطنه، خاطرات محمدعلی میرزا فرمانفرمایان، مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، مجموعه مکاتبات و اسناد و خاطرات فیروز میرزا نصرت‌الدوله. از این میان آثاری نیز در این حوزه تصحیح شده است که تعداد آن‌ها اندک است و متعلق به خاندان فرمانفرمایان نیست. میزان علاقه‌ی اتحادیه به این روش تا اندازه‌ای است که خود بیان می‌کند بازشناسی زندگی‌نامه‌ی افراد بر اساس خاطرات و اسناد همواره مورد علاقه‌ی بسیاری از مورخان بوده است و چاپ آثار آن‌ها در معرفی این افراد و خدمات و اقدامات و عملکرد آن‌ها نقش مؤثری دارد و از آنجا که جاذبه‌ی چنین آثاری در بین پژوهشگران نسبت به تاریخ سیاسی بسیار است، بیشتر مورد استقبال عموم قرار می‌گیرند (جوادیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۴-۱۱).

اتحادیه در معرفی خاطرات و زندگی‌نامه‌ی افراد تنها بر مقوله‌ی سیاسی این نخبگان تأکید نداشته است و آثار بر جای مانده در این دسته به زندگی سیاسی و دیپلماسی حاکم بر آن اشاره دارد؛ هر چند اتحادیه در لابه‌لای این زندگی‌نامه نویسی و خاطرات، تحولات زمان آن‌ها را به تصویر می‌کشد و در میان آن‌ها نیز به دنبال یافتن سرچشمه‌ای از تحولات اجتماعی و اقتصادی است.

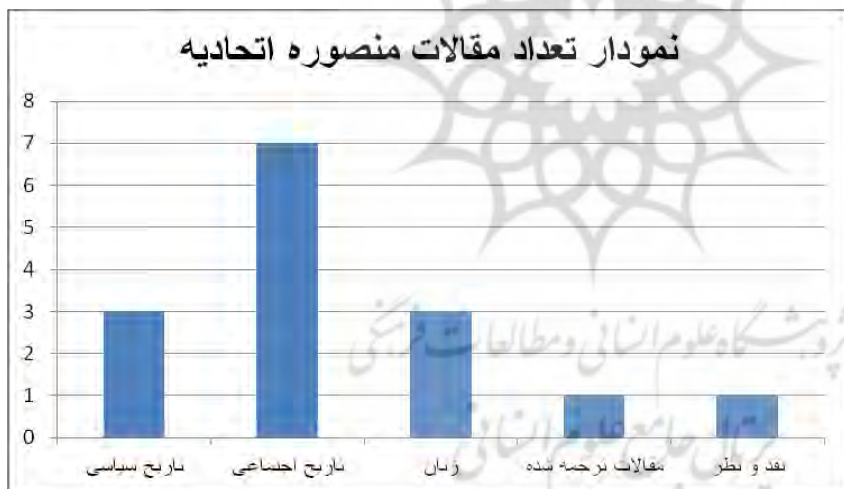
اتحادیه، مورخ کثیرالکتاب

اتحادیه مورخی پرکار است که آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و مقاله‌های او دربرگیرنده‌ی موضوعات متعدد و متفاوتی هستند، به طوری که بیشترین آثار او در حوزه‌ی تصحیح و بازخوانی اسناد و خاطرات است و در حوزه‌ی انتشار مقالات نیز بیشتر به تاریخ اجتماعی توجه دارد. نمودار ذیل نشان‌دهنده‌ی توجه او به موضوعات مختلف در تاریخ است.

نمودار شماره ۱:



نمودار شماره ۲:



اتحادیه و گرایش اتحادیه به تاریخ سیاسی

یکی از مهم‌ترین رویکردهای مورد توجه اتحادیه، تاریخ سیاسی است. وی معتقد است سیاست باعث تغییر در ساختارهای مختلف جامعه می‌شود و از این رو نمی‌توان پژوهشی نوشت که جدای از تاریخ سیاسی باشد. او تأکید می‌کند که در بررسی یک واقعه‌ی تاریخی در حوزه‌ی تاریخ سیاسی باید به همه‌ی نظرات افراد و رجال سیاسی در کنار بررسی جزئیات شکل‌دهنده‌ی آن توجه کرد و با واکاوی هریک از آن‌ها می‌توان به رابطه‌ی علی و معلولی حاکم در بین پدیده‌ها رسید. وی معتقد است برخی از نتایج به دست آمده از پژوهش‌های تاریخی در باور پژوهشگران نقش می‌بندد، به طوری که حقایق به دست آمده از بررسی‌های جدید امکان پذیرش و تأیید نمی‌یابند؛ از این رو شکستن تابوها کاری دشوار است که از وظایف مهم مورخ در کسب حقیقت در تاریخ به شمار می‌رود. اتحادیه در ترسیم تاریخ سیاسی قاجار از شیوه‌ی متداول در تاریخ‌نگاری سنتی ایران دوری جست و به احزاب و مناسبات موجود در میان آن‌ها و معرفی کارکرد مجلس در دوره‌های مختلف آن توجه کرد. وی در تدوین تاریخ سیاسی عصر قاجار، به‌ویژه دوره‌ی مشروطه، کوشید ابعاد مختلف موضوع را به منزله‌ی بخشی از تاریخ مناسبات دیپلماسی به تصویر بکشد و به تحلیل تحولات تاریخ سیاسی و مناسبات دیپلماسی بپردازد. به این ترتیب بررسی نوع پارلمان‌تاریسم در ایران در آثار اتحادیه نشانه‌ی اهمیت آن در تحولات تاریخ معاصر ایران و نقش آن در وقایع و جریان‌های متأخر در ایران بوده است و این امر خود نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی اتحادیه به معرفی مجلس ایران در عصر قاجار، کارکردهای اجتماعی، گروه‌های مختلف، احزاب سیاسی و دسته‌بندی‌های حزبی در آن است و از جمله تخصص‌های وی در حوزه‌ی تاریخ معاصر به شمار می‌رود؛ هرچند نمی‌توان این امر را کتمان کرد که اتحادیه در دورانی توجه به تاریخ سیاسی ایران را دنبال کرد که دوران نگارش تاریخ روایی از عملکرد شاهان به پایان رسیده بود و عصر جدیدی از روایت تاریخ سیاسی در توجه به تاریخ دیپلماسی و تحولات مجلس پدید آمده بود.

اتحادیه در نگارش تاریخ سیاسی از شخصیت‌هایی سخن می‌گوید که معمولاً پیوندهای خانوادگی با او دارند و از این رو در بررسی آثار آن‌ها، به حوزه‌ی تاریخ‌نگاری فردی و نخبه‌گرا نیم‌نگاهی دارد؛ آنگاه که اسناد فرمانفرما یا نامه‌های عباس میرزا را مورد بررسی قرار می‌دهد

علاوه بر توجه به شخصیت‌ها و معرفی آن‌ها، تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره را نیز از لابه‌لای اسناد موجود بیرون می‌کشد که این کار بر اهمیت تلاش او در بازشناسی اسناد موجود و مطالعه نشده در عصر قاجار و مشروطه می‌افزاید. همچنین وی در بررسی تاریخ تحولات احزاب سیاسی ایران و شکل‌گیری مجلس شورای ملی رویکردی را بررسی می‌کند که فارغ از مسائل مورد پذیرش در تاریخ‌نگاری سنتی، مؤلفه‌های جدید چون نارسایی‌های موجود در تدوین و تصویب قانون اساسی، قوانین انتخابات و عوامل عدم رشد حزب در ایران را با نگاهی تحلیلی واکاوی می‌کند.

وی آنجا که درباره تاریخ دیپلماسی در ایران سخن می‌گوید در پاره‌ای از موارد، تنها کوشش نموده است تا آرا و دیدگاه‌های اشخاصی را درباره تأثیر در روابط خارجی مد نظر قرار دهد که اشاعه دهنده افکار او در آثارش بوده است؛ آنجا که درباره تاریخ سیاسی و روابط خارجی ایران با انگلیس بر سر محاصره‌ی هرات سخن می‌گوید، خاطرات و اسناد ژنرال سمینو را بازگو می‌کند؛ این امر درباره‌ی تصحیح و کوشش وی در معرفی کتاب عباس میرزا دیده می‌شود و عباس میرزا تحولات ناشی از جنگ جهانی اول را در اثر خود بازگو می‌کند. این امر نشان می‌دهد که اتحادیه خواستار جدایی تاریخ سیاسی از حوزه‌های دیگر نیست، بلکه می‌خواهد ضمن بیان رویکرد جدید و بازسازی تاریخ سیاسی ایران، ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی را نیز در آن بیان کند.

وی در بررسی احزاب سیاسی و پارلمان در ایران به دنبال یافتن فضای دموکراسی و آزادی اندیشه است. گرچه این جست‌وجو کمرنگ است، اما در پاره‌ای از موارد که درباره‌ی پیدایش احزاب سیاسی در ایران سخن می‌گوید، پررنگ‌تر نیز می‌شود. با این وجود رویکرد وی بازبینی و بازشناسی اندیشه‌ی سیاسی عصر مشروطه و قاجار در ایران نیست و تاریخ فکر آنجا مفهوم می‌یابد که درباره‌ی نخبگان سخن گفته شود و در آن صورت باورها و اندیشه‌های آنان را متجلی می‌کند که بسیاری از آثار اتحادیه مشحون از آن است. از دیدگاه او گرچه در تاریخ ایران به تاریخ سیاسی توجه بیشتری می‌شود، اما همواره جذابیت و گیرایی تاریخ اجتماعی به مراتب بیش از تاریخ سیاسی است (همان: ۱۱).

اتحادیه و رویکرد او به تاریخ اجتماعی

رویکرد اتحادیه به تاریخ اجتماعی ایران با استفاده‌ی او از اسناد و آمارهای موجود در حوزه‌ی مسائل ساختاری جامعه، تحلیل کارکرد طبقات اجتماعی و ارتباط بین آنها، اهمیت باورهای عامه، توجه به زندگی روزمره‌ی مردم، توصیف اجتماعی زنان، رویکردهای بهداشتی در حوزه‌ی سلامت جسم و روان و نظایر آن ارتباط مستقیم دارد. همچنین ردپای بررسی تاریخ اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی جدید در ایران، در کتاب مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه دیده می‌شود؛ آنجا که به دنبال یافتن حضور طبقه متوسط، گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی در این انقلاب و سپس مشارکت آنها در مجلس شورای ملی است.

او گرچه معیارهای یک مورخ را بررسی و توجه به جزئیات حادثه و رخداد می‌داند، اما در بسیاری از موارد که اسناد اجازه می‌داد، تنها به معرفی یک وضعیت اجتماعی در آن دوره پرداخته است؛ به عنوان نمونه اتحادیه کمتر به تجار و بازرگانان به عنوان طبقه‌ی متوسط و تأثیرگذار در تاریخ ایران توجه کرده و در اسناد تجارت‌خانه‌ی اتحادیه تنها می‌توان به توجه وی به میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی تجار در مراوده با غرب و تلاش آنها در ابقای تجارت‌خانه در کشورهای غربی پی برد (اتحادیه، ۱۳۵۶: ۳۱ - ۳۴).

اتحادیه رویکرد آماری در تاریخ اجتماعی را پذیرفت و در آثار خود آنجا که به تحلیل سه تاریخ آماری و جمعیت‌شناسی تهران در عصر مورد علاقه خود می‌پردازد، می‌کوشد ضمن بیان سیر نزولی و صعودی جمعیت، شکل‌گیری مشاغل جدید و شرایط اقتصادی و اجتماعی طبقات اجتماعی، به تحلیل عقلایی نیز دست یابد؛ به عنوان نمونه او در کنار توصیف آماری موقوفات تهران، نتیجه می‌گیرد که دولت در تمرکز قدرت و رشد جمعیت و میزان رضایتمندی و کیفیت زندگی مردم نقش ویژه داشته است. از رویکرد اتحادیه به تاریخ اجتماعی می‌توان به همان تعریف وی از تاریخ رسید که مشتمل بر روابط انسانی است و همه چیز را برای انسان و در مسیر شناخت انسان است نظاره می‌کند (اتحادیه، ۱۳۷۸: ۱۴۵ - ۱۷۴).

اتحادیه و تاریخ نگاری زن محور

اتحادیه به عنوان یک بانوی مورخ در آثار خود تلاش کرد نگاه ویژه‌ای به زنان داشته باشد و از این رو می‌توان از او به عنوان مورخی با دیدگاه‌های تاریخ نگاری زن محور یاد کرد. اتحادیه خود بیان می‌کند که کاملاً اتفاقی ردپای زنان در تاریخ ایران را دنبال کرده و در این همراهی با پژوهش روی اسناد دوره‌ی قاجار و مشروطه، به بررسی نقش آنان در تاریخ این دوره پرداخته است. با این وجود تأکید می‌کند که تاریخ نگاری زنان در مشروطه دچار تکرارهای بی‌شمار شده است و تنها راه خروج از این تکرار را در بررسی آثار دست‌نخورده‌ای چون عکس‌ها و نامه‌های زنان به روزنامه‌ها می‌داند. او معتقد است گرچه دشواری‌های بسیاری پیش روی مورخان در مطالعه در حوزه‌ی زنان وجود دارد، اما با توجه کردن به تاریخ نگاری زنان می‌توان جامعه‌ی گذشته را با دیدگاه و روشی نو مورد مطالعه قرار داد (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۲۷ - ۵۰) و ورود به عرصه‌ی مطالعات در حوزه‌ی تاریخ نگاری زنان را حاکی از تحول نوین در تاریخ نگاری ایران و فاصله گرفتن از تاریخ نگاری سنتی می‌داند و توجه به تاریخ زنان و مسائل آن‌ها را به دلیل جذابیت و گسترده‌تر بودن در مقایسه با تاریخ سنتی در تقسیمات تاریخ نگاری نوین جای می‌دهد و معتقد است مادامی که توجهی به تاریخ زنان، جایگاه و اقدامات و عملکرد آن‌ها صورت نپذیرد هر چه در جامعه بررسی شود محدود، یک‌طرفه و نارسا خواهد بود.

او به حذف مردان در تاریخ معتقد نیست، اما تاریخ با روایت تک‌جنسیتی را نیز نمی‌پذیرد، زیرا از نگاه او جامعه‌ی زمانی به پویایی خواهد رسید که در آن هم به زنان و هم به مردان توجه شود و اقدامات آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. اتحادیه تأکید می‌کند که گرچه زنان در تاریخ مورد توجه مردان نبوده‌اند، اما زنان نیز تلاش چندانی برای دیده شدن از خود نشان نداده‌اند (همان). با این وجود بررسی آثار اتحادیه نشان می‌دهد که وی با استفاده از اسناد پیش رو، به‌ویژه اسناد خانوادگی، به معرفی شرایط و بسترهای اجتماعی زنان و اقدامات آن‌ها پرداخته است و معتقد است که زنان عصر قاجار و مشروطه نسبت به تحولات زمان خود بی‌تفاوت و منفعل نبودند، بلکه با ورود به فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه، ضمن تغییر در وضعیت عادی زنان و افزایش آگاهی در بین آن‌ها اهداف سیاسی و فرهنگی را برای بهبود شرایط در پیش گرفتند؛ برای نمونه اتحادیه

در کتاب معاملات دفتر شیخ فضل‌الله نوری در تهران نشان می‌دهد که زنان ضمن داشتن مشغله‌ی خانودگی، آزادانه به امور مالی و کشاورزی می‌پرداختند و در کتاب زنانی که زیر مقنعه کلاه‌مداری کردند نشان می‌دهد که زنان در دوران قاجار تا چه اندازه در امور خیریه نقش آفرینی می‌کردند و در عین حال مطالعه‌ی مکاتبات و دست‌نوشته‌های باقی‌مانده از آن‌ها نشان می‌دهد که چه شرایطی بر جامعه‌ی زنان آن دوره حاکم بوده است.

اتحادیه معتقد است که گرچه زنان در تاریخ ایران معمولاً با اندرون یک خانه شناخته می‌شدند و به همین دلیل کسی درباره‌ی آن‌ها سخنی نمی‌گفت، اما باید پذیرفت که کشمکش‌های عمومی و اساسی زندگی منجر به پدید آمدن تغییرات متعدد در حریم خانواده می‌شد و از این نظر باید تاریخ زنان را به عنوان یک تاریخ مخفی که بازتاب وقایع سیاسی در شکل‌گیری زندگی آنان است منعکس کرد و کنش و احساسات آنان را در رویدادهای پرمخاطره‌ی زمان خود به تصویر کشید (اتحادیه، ۱۳۹۱: ۱۳).

اتحادیه و بی‌روشی در تاریخ

مطالعه‌ی نوشته‌های منصوره اتحادیه نشان می‌دهد که او در مسیری خاص در نگارش تاریخ پیش نرفته است، به طوری که هم در تاریخ سیاسی به نگارش آثار پرداخته است و هم قلم‌فرسایی متفاوتی در حوزه‌ی تاریخ اجتماعی، اقتصادی، محلی و زنان در کنار توجه به خاطرات و زندگی‌نامه نویسی انجام داده است. او خود را وامدار مکتب و روشی خاص نمی‌بیند، اما نکته‌ی مشترک در همه‌ی این حوزه‌ها اسنادی است که در اختیار وی قرار گرفته است.

بر همین اساس اتحادیه استفاده از مکاتب و روش‌های جامعه‌شناختی را در پژوهش‌های تاریخی به‌شدت رد می‌کند و خود با قاطعیت تمام اعلام می‌کند که تابع و رهرو هیچ مکتب خاصی نبوده است. او کسی را به سود جستن از مکاتب اجتماعی در نگارش و تحقیق پژوهش‌های تاریخی دعوت نمی‌کند، زیرا استفاده از مکاتب و سبک‌های غربی را عاملی در جهت توجه به کلیات و بی‌توجهی به جزئیات تاریخی می‌داند؛ از این رو گرچه اقتباس از تئوری رشته‌های دیگر

چارچوبی منسجم ارائه می‌کند، امکان خطر پیش‌داوری را بیشتر از اشتباه در جزئیات تاریخی می‌بیند.

اتحادیه، مورخ رمان‌نویس

اتحادیه کوشید با نوشتن رمان، حوادث تاریخی را در پس آن بیان کند. او درباره‌ی نگارش رمان می‌گوید: «رمان درباره‌ی گذشته است و خواندن رمان سبب می‌شود خواننده با شرایط زمان نویسنده به لحاظ تاریخی آشنا شود».

او همواره علاقه‌مند بود رمان و داستانی را به نگارش در آورد و در این راه تلاش کرد با نگارش رمانی تاریخی ضمن نقل واقعیت‌های تاریخی، روایت تاریخی را در قالب شخصیت‌های داستانی به تصویر کشد. او معتقد است که در رمان، نویسنده کاملاً آزاد است و می‌تواند به تحقیقات خود اجازه جولان دهد، در حالی که در تاریخ باید دقیق و درست و مستند عمل کرد و این امر را نقطه افتراق رمان و تاریخ می‌داند. او معتقد است که متن و روایت تاریخی زائیده‌ی تخیلات مورخ است و آنجا که تاریخ به توصیف و چگونگی شکل‌گیری یک رخداد می‌پردازد، با رمان سنخیت دارد و آنجا که به تحلیل داده‌ها می‌پردازد با رمان متفاوت است (جوادیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۴-۱۸).

اتحادیه هرگز اثری در حوزه‌ی رمان ترجمه نکرد و خود باور دارد که بیشتر یک مورخ است تا یک رمان‌نویس و با مطالعه‌ی رمان‌های وی روشن می‌شود که در این زمینه با وجود تلاش در معرفی فضا و شرایط تاریخی، موفق نبوده است.

نتیجه‌گیری

اتحادیه در آثارش نشان می‌داد که بیشتر نوشته‌هایش در دوره‌ی قاجار و مشروطه، مبتنی بر مطالعه و کوشش در معرفی آثار و اسناد است و رویکرد وی در روش تاریخی، بیشتر توصیفی و کمتر تحلیلی است و به این دلیل که روش خاصی در پژوهش‌های تاریخی ندارد، می‌توان از او به عنوان مورخی بی‌روش یاد کرد. با بررسی آثار وی معلوم می‌شود که گرایش وی به تاریخ سیاسی بیش

از تاریخی اجتماعی و اقتصادی است. گرچه خود معتقد است که توجهش به تاریخ سیاسی به تدریج کمرنگ‌تر شده و علاقه‌اش به تاریخ اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است، اما در حوزه‌ی تاریخ اقتصادی نمی‌توان اثر قابل توجهی از وی معرفی کرد. وی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری، کمتر به تحلیل داده‌های تاریخی پرداخت، اما بسیار کوشید با معرفی آثار، اسناد، مکاتبات و خاطرات متعدد، نگاه مورخان دیگر را نسبت به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آثار جلب کند و به آن‌ها نشان دهد که در لابه‌لای اسناد سیاسی نیز می‌توان به مؤلفه‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی دست یافت.

به عقیده‌ی نویسنده این مقاله یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری اتحادیه در نگارش آثار سیاسی، بررسی علل و عوامل تحقق دموکراسی و روح قانون در کالبد جامعه‌ی ایرانی بوده است و در عین حال تلاش می‌کرد با بررسی ساختار طبقاتی نمایندگان مجلس، نقاط ضعف و قوت سیاسیون را در پارلمان ایران بازگو کند.

همچنین توجه به تاریخ زنان، وضعیت، عملکرد، کارکرد و اقدامات آن‌ها در دوره‌ی مورد تحقیق وی و تلاش او در بازشناسی حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دغدغه‌اش به عنوان یک مورخ زن، از او تاریخ‌نگاری زن‌محور ساخته است.

اتحادیه مورخی با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی و علاقه‌مند به تاریخ زنان است. او کوشید در تاریخ پژوهش خود شرایطی برای انتشار آثار و اسناد منتشر نشده در حوزه‌ی تاریخ سیاسی برای علاقه‌مندان و پژوهشگران تاریخ فراهم آورد و این یکی از اقدامات شایسته وی به شمار می‌رود.

منابع

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷)، *اینجا طهران است*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- ----- و بهمن فرمان. (۱۳۸۲). *از روزگار رفته حکایت*. تهران: نشر سیامک.
- ----- (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌ی اول و دوم مجلس شورای ملی*. تهران: نشر گستره.
- ----- (۱۳۹۰). *در دهلیزهای قدرت*. تهران: نشر تاریخ ایران.

- (۱۳۹۱). **در زیر ویم روزگار**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- (۱۳۷۴). «رشد و توسعه‌ی شهر تهران در دوره‌ی ناصری ۱۲۶۹-۱۳۲۰ ق». **تحقیقات اسلامی**. ش ۲۱. صص ۱۴۵-۱۷۴.
- (۱۳۷۹). **رضا قلی خان نظام السلطنه، مجموعه مکاتبات و مراسلات**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- (۱۳۷۳). «زن در جامعه قاجار موقعیت اجتماعی زنان، آغاز قرن ۱۴». **کلک**. مهر و آبان. ش ۵۵ و ۵۶. صص ۲۷-۵۰.
- (۱۳۷۵). **زندگی باید کرد**. تهران: سیامک.
- (۱۳۷۸). **زندگی خالی نیست**. تهران: سیامک.
- (۱۳۸۷). «صرف جیب شاه شمه‌ای از زندگانی خصوصی مظفرالدین شاه». **نامه‌ی انجمن**. زمستان. ش ۳۲. صص ۷۷-۱۱۸.
- (۲۵۳۵). **گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰-۱۳۰۰ ق)**. تهران: آگاه.
- (۱۳۹۱). «گنجینه تاریخ عامه». **مزدک**. ش ۵. صص ۶۴۹-۶۶۶.
- (۱۳۵۶). «لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸». **نگین**. ش ۱۴۶. صص ۳۱-۳۴.
- (۱۳۷۵). **مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- (۱۳۹۱). «مردم شناسی و منابع تاریخی کرمانشاه». **پیام بهارستان**. ش ۱. صص ۲۵۶-۲۸۶.
- (۱۳۷۸). «موقوفات تهران و تحول شهر ۱۲۶۹-۱۳۲۰»، میراث جاویدان، ش ۲۸، ۷ تا ۱۶.
- (۱۳۸۱). «موقوفات و خدمات عام‌المنفعه عبدالحسین میرزا فرمانفرما». **میراث جاویدان**. ش ۳۷. صص ۴۷-۶۲.

- ایروانی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه‌ی آن با زندگی‌نامه نویسی». *زبان و ادبیات فارسی*. ش ۸. صص ۷۳-۱۰۰.
- بختیاری، محمد. (۱۳۹۲). *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دکتر عبدالحسن زرین کوب*. تهران: امیرکبیر.
- تاج‌السلطنه. (۱۳۶۰). *خاطرات تاج‌السلطنه*. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جوادیان، دکتر صالحی و عباس. (۱۳۸۴). «تاریخ اجتماعی ایران در آینه اسناد در گفت‌وگو با دکتر منصوره اتحادیه». *رشد آموزش تاریخ*. بهار. ش ۱۸. صص ۴-۱۱.
- دهباشی، علی. (۱۳۹۰). *یادنامه‌ی فریدون آدمیت*. تهران: افکار
- زمانی‌نیا، مصطفی. (۱۳۸۳). *در سایه‌سار مهربانی (ستایش میلاد و کارنامه‌ی دکتر منصوره اتحادیه)*. تهران: سیامک.
- سمینو، بارتلمی. (۱۳۷۵). *ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات ۱۲۶۶-۱۲۳۶*. به کوشش منصوره اتحادیه و سعیده میر محمد صادق. تهران: نشر تاریخ ایران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- «سند و اسناد ملی با دکتر منصوره اتحادیه، کیانوش کیانی هفت سنگ و مسعود کوهستانی نژاد». (۱۳۸۶). *کتاب ماه و تاریخ و جغرافیا*. ش ۱۱۱. صص ۱۲-۱۹.
- عباس میرزا فرمانفرمایان. (۱۳۸۶). *جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران*. به کوشش منصوره اتحادیه و بهمن فرمان. تهران: سیامک.
- فصیحی، سیمین. (۱۳۷۲). *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره‌ی پهلوی*. مشهد: نشر نوند.
- ----- (۱۳۸۹). «از خلوت‌خانه تا عرصه‌ی اجتماع رویایی زنان با دوگانگی طبیعت و فرهنگ، از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره‌ی قاجار». *تاریخ اسلام و ایران*. س ۲۰. ش ۸. صص ۱۱۵ تا ۱۳۷.

- کاظمی، باقر. (۱۳۹۰). *یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کاظمی (مهدب‌الدوله)*. به کوشش دکتر داوود کاظمی و منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- *گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ ق.ه*. (۱۳۶۶). به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- مصاحبه تخصصی با منصوره اتحادیه در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۸
- نصرت‌الدوله. (۱۳۷۸). *مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات فیروز میرزا فیروز*. به کوشش منصوره اتحادیه و سعاد پیرا. تهران: سیامک.

